

تأثیر اشتغال زنان بر میزان رضایت مردان از زندگی زناشویی

رحمت میرزائی^{۱*}، خالد کریمی^۲، پونه شهریاری^۳

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*نویسنده مسئول. تلفن: ۰۹۱۸۸۸۸۵۰۹۹ ایمیل: rm_1983@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده یک نهاد مهم اجتماعی است که رضایت و صمیمیت زوجین در شکل‌گیری و تداوم آن نقش مهمی دارد. در این بین متغیرهای متعددی خود بر رضایت و صمیمیت زوجین اثرگذار هستند. هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی اثر اشتغال زنان بر میزان رضایت مردان از زندگی زناشویی در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ بود.

روش کار: در این پژوهش مقطعی و توصیفی-تحلیلی، نمونه‌گیری به صورت دو مرحله‌ای انجام گرفت؛ در مرحله اول نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم و مرحله دوم آن نمونه‌گیری تصادفی ساده بود و در آن ۲۵۰ نفر از دبیران مرد دبیرستان‌های نواحی سه گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه حاوی مشخصات فردی و پرسشنامه رضایت از زندگی زناشویی انریچ جمع‌آوری گردید؛ سپس با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون‌های تحلیلی کای اسکوتر و ضریب همبستگی وبا استفاده از نرم افزار SPSS۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: بین میزان رضامندی زناشویی در دو گروه مردان دارای همسر شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود مشاهده شد ($p=0/000$). یافته‌ها ارتباط معنی‌داری بین رضامندی زناشویی و میزان تحصیلات در مردان دارای همسر شاغل نشان داد ($p=0/008$). اما بین میزان تحصیلات مردان دارای همسر غیر شاغل و میزان رضایت از زندگی زناشویی در مردان دارای همسر غیرشاغل ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین در مردان دارای همسر شاغل برخلاف مردان دارای همسر غیرشاغل بین سن ازدواج با رضایت‌مندی ($p=0/003$) و بین فاصله سنی زوجین با رضایت‌مندی زناشویی ($p=0/007$) ارتباط معناداری دیده شد. و نیز در مردان دارای همسر شاغل بین سابقه کاری مردان و رضامندی زناشویی رابطه معناداری مشاهده شد ($p=0/002$).

نتیجه‌گیری: بر اساس این مطالعه، یک رابطه معنی‌دار آماری بین رضایت زناشویی و ابعاد مختلف آن در مردان دارای همسران شاغل یافت شد. بنابراین، مطالعه حاضر این واقعیت را تایید می‌نماید که مردانی که با همسران شاغل زندگی می‌کنند از رضایت زناشویی بهتری نسبت به مردان دارای همسران خانه دار برخوردار هستند.

واژه‌های کلیدی: رضایت‌مندی زناشویی، اشتغال، زنان

دریافت: ۹۳/۶/۲۳ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۰

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است که بر پایه ازدواج قرار گرفته است و یکی از مراحل مهم در زندگی انسان به شمار می‌رود. نتایج مطالعات متعددی که در مورد ازدواج انجام شده بر اهمیت

آن در سلامت جسمانی و روانشناختی تأکید کرده‌اند. در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان بالینی و خانواده به کیفیت روابط زناشویی، رضامندی زوجین و تأثیر آن در سلامت و بهداشت خانواده جلب شده است (۱). سازگاری زناشویی

اقوام و آشنایان، اعتقادات مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی درک همسر، مهارت‌های ارتباطی، اوقات فراغت، و تعهد (۷).

بررسی‌های قبلی رضایتمندی زناشویی، عموماً نشان می‌دهند که جنس افراد، پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی زناشویی نمی‌باشد، برای نمونه اسمیت^۱ و همکاران دریافتند که بین رضایتمندی زناشویی گروه‌های زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد (۸) همچنین فراسات نیز در پژوهشی تحت عنوان بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران، به این نتیجه رسید که زنان خانه‌دار، رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود دارند، اما در سایر ابعاد یعنی تأثیر سن، فرزندان، مدت ازدواج و میزان درآمد خانواده بر رضایت زناشویی، رابطه معناداری مشاهده نشد (۹). با توجه به موارد یاد شده و با توجه به این که گذشت زمان، تغییرات زیادی در ارزش‌ها و نحوه زندگی مردم و جوامع به وجود آورده که هیچ زن و شوهری از آن مستثنی نیستند، مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر اشتغال زنان بر میزان رضایت مردان از زندگی زناشویی انجام شد.

روش کار

جامعه آماری این پژوهش شامل ۷۸۲ نفر از دبیران مرد دبیرستان‌های نواحی سه‌گانه شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ بود که حداقل ۲ سال از ازدواج آنها گذشته بود. در این پژوهش از جدول کرچسی و مورگان^۲ (۱۰) برای تعیین حجم نمونه استفاده شد که علت انتخاب این است که به علت بزرگتر شدن حجم نمونه و دشوار شدن کار، این روش استاندارد شده است و از نظر محقق اعتبار این روش از روش کوکران به خاطر اشتباهاتی که ممکن است در بدست آوردن متغیرها و محاسبات آن انجام شود، بهتر

وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع، احساس ناشی از خوشبختی و رضامندی از همدیگر دارند. سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (۲). سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و در واقع زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدینی را تسهیل می‌کند، عمر زن و شوهر را طولانی می‌کند، باعث افزایش سلامتی، توسعه اقتصادی و رضامندی بیشتر از زندگی می‌شود (۳). از سوی دیگر وجود ناسازگاری‌های زناشویی در روابط زن و شوهر علاوه بر ایجاد مشکل در موارد فوق باعث بروز اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، اخلاقی و افول ارزش‌های فرهنگی در بین زوجین می‌شود (۴). رضامندی زناشویی و سازگاری همسران به منزله محور و کانون بنیاد خانواده، تحت تأثیر عوامل متعددی است که از آن جمله می‌توان به نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی، فرهنگی و غیره اشاره کرد. در کشور ما اکثر تحقیقات بر پایه نظریات علوم اجتماعی و با تأکید بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بوده است. تحقیقات روان‌شناختی نیز کمتر به مسائل اساسی مؤثر بر رضامندی زناشویی پرداخته‌اند (۵). سلامت فیزیکی و عاطفی و بهداشت روانی افراد در جامعه در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج می‌باشد. رضامندی یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضامندی وی از خانواده محسوب می‌شود و رضامندی از خانواده به مفهوم رضامندی از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد. (۶). عوامل گوناگونی به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت زناشویی شناسایی شده‌اند که برخی از این عوامل عبارتند از سن ازدواج، مدت زمان ازدواج، فرزندان، تناسب تحصیلی، مسائل مالی، مسائل جنسی،

¹ Smith

² Grchsy and Morgan

و ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری $p \leq 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ترسیم نمودارها و تحلیل داده‌ها، با استفاده نرم افزار آماری SPSSv.18 صورت گرفت.

یافته‌ها

جامعه آماری این تحقیق ۲۵۰ نفر از بین کلیه دبیران مرد دبیرستان‌های دولتی پسرانه شهر کرمانشاه که دارای همسر بوده و از ازدواج آنها حداقل ۲ سال می‌گذشت، بود (جدول ۱). یافته‌ها نشان داد که ۸۳ درصد (۲۰۷ نفر) از نمونه آماری لیسانس و ۱۷ درصد (۴۳ نفر) از آنها فوق لیسانس بودند؛ به طوری که ۷۷/۶ (۹۷ نفر) مردان دارای زن غیرشاغل، لیسانس و ۲۲/۴ درصد (۲۸ نفر) آنها فوق لیسانس بودند. در مردان دارای زن شاغل نیز ۸۸ درصد (۱۱۰ نفر) لیسانس و ۲۲ درصد (۱۵ نفر) فوق لیسانس بودند. بر همین اساس یافته‌ها نشان داد که میانگین وانحراف معیار سابقه کاری در گروه مردان دارای زن شاغل $4/52 \pm 9/63$ و در گروه مردان دارای زن غیرشاغل $8/17 \pm 8/80$ بود. میانگین وانحراف معیار سن ازدواج در گروه مردان دارای زن شاغل $3/80 \pm 25/88$ و در گروه مردان دارای زن غیرشاغل $4/17 \pm 25/36$ بود (جدول ۲). بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین وانحراف معیار فاصله سنی بین زوجین در گروه مردان دارای زن شاغل $4/63 \pm 2/29$ و در گروه مردان دارای زن غیرشاغل حدود $5/17 \pm 2/18$ بود و این مقایسه نشان می‌دهد که فاصله سنی بین زوجین دارای زن غیرشاغل بیشتر از مردان دارای زن شاغل بود.

نتایج نشان داد میزان رضامندی زناشویی در دو گروه مردان دارای زن غیرشاغل و شاغل متفاوت بود یعنی میزان رضامندی زناشویی در گروه دارای زن شاغل بیشتر از گروه دارای زن غیرشاغل می‌باشد و در گروه دبیران دارای زن غیرشاغل این میزان کمتر بود ($p=0/000$). نتایج نشان داد که

بوده و به اثبات رسیده است که با توجه به این فرمول از کل تعداد افراد جامعه آماری (۷۸۲ نفر) نمونه شامل ۲۵۰ نفر از دبیران مرد می‌شود.

در این پژوهش مقطعی و توصیفی-تحلیلی، نمونه‌گیری به صورت دو مرحله‌ای انجام گرفت؛ در مرحله اول نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم نمونه و مرحله دوم آن نمونه‌گیری تصادفی ساده بود و در مجموع آن ۲۵۰ نفر از میان ۷۸۲ نفر از بین دبیران مرد دبیرستان‌های نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه که به دو گروه دارای همسران شاغل و غیرشاغل تقسیم شدند انتخاب شدند. سپس اهداف مطالعه و نحوه انجام کار برای هر یک از افراد مورد مطالعه توضیح و رضایت آنها برای همکاری جلب شد و اطمینان داده شد که تکمیل پرسشنامه هیچ ضرر و زیانی برای آنها در پی نداشته و رازداری کامل در مورد اطلاعات اخذشده رعایت شد.

جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حاوی مشخصات فردی و پرسشنامه رضایت از زندگی زناشویی انریچ^۱ استفاده شد؛ نسخه اصلی آزمون ۱۱۵ سؤال دارد اما با توجه به طولانی‌بودن سؤال‌های مقیاس، فرم ۴۷ سؤالی آن ساخته شد که در این پژوهش از این فرم استفاده شد. در این فرم برای هر یک از سؤال‌ها ۵ گزینه منظور شده است. گزینه سؤال‌ها عبارتند از کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم. نمره گذاری سؤال‌ها به صورت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ است و حداکثر نمره آزمودنی در این پرسشنامه برابر با ۲۳۵ است و نمره بالاتر نشانه رضامندی بیشتر زناشویی است. ضریب همبستگی این پرسشنامه از نظر روایی با مقیاس رضایت زناشویی از ۰/۳۳ تا ۰/۴۱ که نشانه روایی سازه آن است (۱۱) و پایایی آن با ضریب آلفای ۰/۹۳ درصد سنجیده شد (۱۳، ۱۲). داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون‌های کای اسکوپر

^۱ Enrich Questionnaire

میزان تحصیلات مردان در گروه مردان دارای زن شاغل در افزایش رضامندی زناشویی تاثیر داشت. ولی میزان تحصیلات مردان در گروه مردان دارای زن غیرشاغل تاثیری در افزایش رضامندی زناشویی نداشت ($p=0/008$). همچنین نتایج نشان داد که در گروه مردان دارای زن غیرشاغل، سابقه کاری تاثیری در میزان رضامندی زناشویی نداشت ($p=0/313$). ولی در گروه دارای زن شاغل سابقه کاری دیران مرد در رضامندی زناشویی تاثیر داشت و باعث افزایش رضامندی زناشویی در این گروه می‌شود ($p=0/002$). نتایج نشان داد مناسب بودن سن ازدواج یکی از عوامل اصلی افزایش رضایت زناشویی در گروه دارای زن شاغل بود، و این گویای آن است که سن ازدواج بهینه و طبق عرف در مردان دارای زن شاغل بیشتر رعایت می‌شود. به عبارت دیگر سن

ازدواج مناسب در افراد دارای زن شاغل بیشتر از افراد دارای زن غیرشاغل مشاهده می‌شود و رعایت سن مناسب ازدواج باعث افزایش رضامندی زناشویی در این گروه می‌شود ($p=0/003$). همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که فاصله سنی زوجین در گروه دارای زن غیرشاغل زیاد رعایت نشده با این حال تاثیری در افزایش رضامندی زناشویی نداشت و بلکه برعکس باعث کاهش رضامندی زناشویی شده بود. همچنین نتایج نشان داد که در گروه دارای زن شاغل فاصله سنی در رضامندی زناشویی تاثیر داشت، یعنی رعایت فاصله سنی مناسب بین زوجین باعث افزایش رضامندی زناشویی می‌شود ($p=0/007$) و این افزایش در گروه دارای زن شاغل بیشتر از گروه دارای زن غیرشاغل مشاهده شد (جدول ۳).

جدول ۱. جامعه آماری دبیران دبیرستان‌های دولتی کرمانشاه

ناحیه	تعداد دبیرستان‌ها	تعداد دبیران مرد	سطح تحصیلات مردان		دارای همسران شاغل	دارای همسران غیر شاغل
			لیسانس	فوق لیسانس		
ناحیه ۱	۲۰	۳۵۰	۲۴۰	۶۰	۱۰۵	۱۹۵
ناحیه ۲	۲۰	۲۱۷	۱۶۵	۲۰	۷۴	۱۱۱
ناحیه ۳	۲۳	۳۴۳	۲۰۷	۹۰	۱۲۰	۱۷۷
جمع کل	۶۳	۹۱۰	۶۱۲	۱۷۰	۲۹۹	۴۸۳

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های پرسشنامه رضایت زناشویی

متغیرهای پژوهش	گروه (مردان)	میانگین	انحراف معیار	بالاترین	پایین ترین	دامنه تغییرات
مؤلفه‌های پرسشنامه رضایت زناشویی	دارای زن غیر شاغل	۸/۸۰	۵/۱۷	۱۹	۲	۱۷
	دارای زن شاغل	۹/۶۳	۴/۵۲	۱۸	۲	۱۶
سن ازدواج	دارای زن غیر شاغل	۲۵/۳۶	۴/۱۷	۳۴	۲۱	۱۳
	دارای زن شاغل	۲۵/۸۸	۳/۸۰	۳۵	۲۰	۱۵
فاصله سنی بین زوجین	دارای زن غیر شاغل	۵/۱۷	۲/۱۸	۹	۰	۹
	دارای زن شاغل	۴/۶۳	۲/۲۹	۱۰	۰	۱۰

جدول ۳. نتایج تحلیل آزمون ضریب همبستگی (لاندا) رضایت زناشویی بر اساس سابقه کاری، سن ازدواج و فاصله سنی بین زوجین

متغیرهای پژوهش	گروه (مردان)	متغیرها	ارزش آزمون	خطای استاندارد	سطح معنی داری
سابقه کاری	دارای زن شاغل	رضامندی زناشویی	۰/۵۳۳	۰/۱۲۹	۰/۰۰۲
		سابقه کاری	۰/۰۴۱	۰/۰۴۹	۰/۴۱۲
	دارای زن غیرشاغل	رضامندی زناشویی	۰/۴۰۹	۰/۱۶۸	۰/۰۵۳
سن ازدواج		سن ازدواج	۰/۰۹۶	۰/۰۴۸	۰/۰۵۱
	دارای زن شاغل	رضامندی زناشویی	۰/۵۳۳	۰/۱۲۹	۰/۰۰۳
		سن ازدواج	۰/۰۷۸	۰/۰۵۳	۰/۱۵۰
فاصله سنی بین زوجین	دارای زن شاغل	رضامندی زناشویی	۰/۳۳۳	۰/۱۶۳	۰/۰۰۷
		فاصله سنی	۰/۰۷۳	۰/۰۶۲	۰/۲۵۲

بحث

بر اساس نتایج پژوهش میزان رضامندی زناشویی در دو گروه مردان دارای زن غیرشاغل و شاغل متفاوت بود و تفاوت آماری معنی‌داری در این خصوص وجود داشت؛ پس می‌توان گفت که میزان رضامندی زناشویی در گروه مردان دارای زن شاغل بیشتر از گروه مردان دارای زن غیرشاغل بود. بنابراین مطالعه حاضر نشان داد که اشتغال زنان بر رضامندی زناشویی مردان تأثیر مثبت داشته و با یافته‌های صادق مقدم و همکاران، لودیک^۱ به نقل از شبانی حصار، کارلسون، کاسلو^۲ و همکاران، و احمدزاده (۱۷-۱۴) همسویی دارد و نشان می‌دهد که اشتغال زنان باعث احساس مسوولیت آنها در خانه و بیرون از خانواده می‌شود و نیز نقش مرد را در داخل خانواده در تربیت فرزندان افزایش و نیز می‌تواند بار مالی خانواده را بهتر کند. همچنین یافته‌های مطالعه حاضر با نظریه خانواده دوگانه شغلی و نظریه چرخه زندگی و نیز نظریه خانواده متقارن که معتقدند اشتغال زنان بر میزان رضامندی زناشویی زوجین تأثیر مثبت داشته و سبب تعامل بیشتر در امور خانواده می‌گردد همسویی دارد (۱۸).

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌داد که میزان تحصیلات مردان دارای زن شاغل در افزایش

رضامندی زناشویی تأثیر داشت. ولی میزان تحصیلات مردان دارای زن غیرشاغل تأثیری در افزایش رضامندی زناشویی نداشت. نتایج نشان داد که میزان رضامندی مردان دارای زنان شاغل و غیرشاغل از نظر سطح تحصیلات با همدیگر تفاوت داشت یعنی میزان رضایت مردان دارای زن شاغل از مردان دارای زن غیر شاغل بیشتر است، و این یافته با تحقیقات جلیلی، موسوی، هیرومی^۳ و گرین^۴ (به نقل از جلیلی) همسویی دارد (۲۱-۱۹)، و این نشان می‌دهد که تحصیلات در میزان رضایت از زندگی در مردان دارای زنان شاغل بسیار تأثیرگذار است و با یافته‌های شبانی حصار، عبدالله زاده همسویی نداشت (۵،۱۵). به نظر می‌رسد عدم همخوانی به تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و نگرش‌های جامعه مورد بررسی مربوط باشد. بنابراین تجانس در ویژگی‌های اجتماعی و نه فقط تحصیلات باعث ثبات در ازدواج می‌شود، زمانی که تحصیلات زوجین با هم اختلاف زیادی داشته باشد و منطبق با هم نباشد، احتمال طلاق بیشتر می‌شود. با افزایش سطح تحصیلات، آگاهی و دانش افراد و نحوه مقابله آنها با مشکلات به طور گسترده‌ای متفاوت و عملکرد آنها بهتر خواهد شد، اما گاهی اوقات، اختلاف سطح تحصیلات در بین دو زوج ممکن است موجب اختلاف زناشویی گردد.

¹ Hiromi

² Green

¹ Ludick

² Kslow

شاملو و میراحمدزاده نشان دادند که مدارج تحصیلی در خوشبختی خانوادگی بسیار موثر است، زیرا مقدار تحصیل معمولاً با مقام اجتماعی شخص مرتبط است، و تفاوت زیاد در سطح تحصیلات ممکن است سبب احساس حقارت و آزرده‌گی شود (۲۲،۲۳). مشکل دیگری که نشأت گرفته از اختلافات سطح تحصیلاتی و طبقاتی بین زن و شوهر است عدم درک صحیح طرفین از یکدیگر می‌باشد. دیدگاه فرد تحصیل کرده ممکن است نسبت به شرایط اطراف خود خیلی واقع‌بینانه‌تر باشد تا همسر خود، زیرا که او مسلماً آگاهی بیشتری نسبت به مسائل اطراف خود دارد. ولی همسرش اگر همپا و همسطح او نباشد طرز تفکری کاملاً متفاوت نسبت به مسائل مختلف خواهد داشت و بر همین اساس واکنش آنها نیز متفاوت خواهد بود. نتایج حاکی از آن بود که در گروه مردان دارای زن غیرشاغل سابقه کاری تأثیری در میزان رضامندی زناشویی نداشت ولی در گروه دارای زن شاغل سابقه کاری دبیران مرد در رضامندی زناشویی تأثیر بسزایی داشت و باعث افزایش رضامندی زناشویی در این گروه می‌شد. یعنی هر چقدر افراد در کار تخصصی‌شان با تجربه‌تر می‌شوند میزان رضایت زناشویی آنها نیز بالاتر می‌رود. این یافته با پژوهش‌های فراست و عبدالله‌زاده همسویی داشت (۹،۵) و نشان می‌داد که هر چقدر فرد در کار و شغل تخصصی‌اش مهارت پیدا می‌کند و با تجربه‌تر می‌شود همسو با آن در مهارت‌های زندگی نیز دارای تجارب می‌شود و این شاید در اثر بالارفتن سن فرد و درک بیشتر زوجین شاغل از همدیگر باشد. نتایج نشان داد که سن ازدواج مناسب در افراد دارای زن شاغل بیشتر از افراد دارای زن غیرشاغل رعایت می‌شود و رعایت سن مناسب ازدواج باعث افزایش رضامندی زناشویی در این گروه می‌شود. یعنی هر چقدر سن ازدواج در حال نرمال آن انجام گیرد میزان رضامندی زناشویی بالاتر می‌رود ولی ازدواج در سنین پایینتر که فرد دارای استقلال

و توانایی فکری و شخصیتی نمی‌باشد باعث کاهش رضامندی زناشویی می‌گردد و نیز ازدواج در سنین بالاتر نیز باعث کاهش چشمگیر رضایت زناشویی می‌شود و این یافته‌ها با تحقیق‌های هیرومی و نلسون^۱ همسویی داشت (۲۴،۲۱). یعنی تناسب سن ازدواج یکی از فاکتورهای اصلی افزایش رضایت زناشویی در گروه دبیران مرد دارای زن شاغل بود. نظریه خانواده متقارن ویلموت و یانگ معتقد است که هر چه سن ازدواج زوجین نرمال تر باشد، تأثیر مثبت بر میزان کمتر از سن ازدواج متعارف جامعه باشد از میزان رضامندی زناشویی زوجین کاسته می‌شود (۲۵). همچنین نتایج نشان دادند که در گروه دارای زن شاغل فاصله سنی در رضامندی زناشویی تأثیر دارد یعنی رعایت فاصله سنی مناسب بین زوجین باعث افزایش رضامندی زناشویی شده و این افزایش در نتایج گروه دارای زن شاغل بیشتر از گروه دارای زن غیرشاغل مطالعه حاضر مشاهده شد که با تحقیقات شبانی حصار، موسوی، و باقری (۲۶،۲۰،۱۵) که معتقدند فاصله سنی زوجین در گروه دارای زن غیرشاغل زیاد رعایت نمی‌شود و همچنین این عدم رعایت تأثیری در افزایش رضامندی زناشویی ندارد و بلکه برعکس باعث کاهش رضامندی زناشویی می‌شود همسویی داشت.

از آنجا که میزان رضایت از زندگی یک مفهوم انتزاعی (ذهنی) است که توسط خود افراد اظهار می‌گردد بنابراین صحت و سقم پاسخ‌های داده شده از جانب افراد مورد مطالعه از محدودیت‌های این پژوهش بود.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی از تأثیر ویژگی‌های دموگرافیک (اشتغال، تحصیلات، سابقه کاری، سن ازدواج، فاصله

³ Nelson

در مراکز مشاوره به زوجین آموزش داده شود، اینکه اشتغال زنان نه تنها موجب مشکلات برای خانواده‌ها نمی‌شود بلکه به رضایت زناشویی کمک می‌کند.

تشکر و قدردانی

در پایان از کلیه دبیران اداره آموزش و پرورش شهرستان کرمانشاه و نیز از مدیران محترم مدارس تشکر و قدردانی می‌شود.

سنی زوجین) بر میزان رضایت مردان از زندگی زناشویی است. نتایج نشان دادند بین رضامندی زناشویی و وجوه مختلف آن در مردان دارای همسر شاغل با متغیرهای خاص ارتباط وجود داشت و افراد دارای همسر شاغل از افراد دارای همسر غیرشاغل رضایت زناشویی بیشتری داشتند. بنابراین با توجه به تغییرات روزافزون جامعه و افزایش اشتغال زنان پیشنهاد می‌شود که به مردان و زنان در جهت شناخت بهتر خصوصیات اخلاقی همسر خود و درک شرایط روحی یکدیگر آموزش داده شود. و همچنین

References

1. Fincham FD, Beach SR. Conflict in marriage: implications for working with couples. *Annual Review of Psychology*. 1999; 50(1): 47-77.
2. Sinha SP, Mukerjee N. Marital adjustment and space orientation. *Journal of Social Psychology*. 1990; 130(5): 633-9.
3. Cummings EM, O'Reilly AW. Fathers in family context: effects of marital quality on child adjustment. In: Lamb ME, editor. *The role of the father in child development*. 3th ed. John Hoboken, NJ: Wiley & Sons, Inc.; 1997. p. 49-65.
4. Mehrabzadeh- honarmand M, Hosseinpour, M; Mehdizadeh L. The Effect Increase of life skills Training on marital adjustment of 20-40 years old. *Journal of Teaching and Learning*. 2010; 2(1): 125-139. [Persian]
5. Abdollahzadeh, H. The relationship between personality traits and marital satisfaction in Damghan couples. [Master Thesis], Psychology, Tabriz, School of Humanity and Psychology, University of Tabriz, 2003. [Persian]
6. Jonaidi A, Nourani Sh, Mokhber N, Shakeri M. Comparison of sexual satisfaction in fertile and infertile women attending to public clinics in Mashhad. *Journal of Reproduction and Infertility*. 2008; 10(4): 269-277. [Persian]
7. Ghorbanalipour M, Farahini H, Borjali H, Moghadas M. Determining the effectiveness of lifestyle modification training with group style on marital satisfaction. *Journal of Psychological Studies*. 2004; 4(3): 57-72. [Persian]
8. Hamidi F. Assessing the relationship between attachment styles and marital satisfaction in married tutorship students. *Journal of Family Research*. 2007; 3(9): 443-453. [Persian]
9. Ferasat Z, Navabinejad S, Sanaeizaker B. Comparative study of locus of control and marital satisfaction among working women and housewives in Tehran. *Counseling Research & Developments*. 2004; 3(9&10): 55-66. [Persian]
10. Naderi E, Saif Naraqi M. Research methods and how to evaluate it in the humanities (with an emphasis on Educational Sciences), Tehran: Arasbaran Pub. 2011. [Persian]
11. Sanaei Z. Family and marriage measurement scales. First ed. Tehran: Besat pub. 2001. [Persian]
12. Vakili A. Factors affecting the marital satisfaction of working women. [Master Thesis]. University of Tehran; 1988. [Persian]
13. Sadat-Mousavi M. Measuring satisfaction rate. Educated women in married life. *The Office of Cultural and Social Studies and Planning*. 2004; 4 (12): 70-75. [Persian]
14. Sadegh Moghadam L. Marital satisfaction among employed women and housewives and their husbands in Gonabad. *Ofog-e- Danesh*. 2004; 12(2): 44-50. [Persian]

15. Shabanihesar H. The relationship between socioeconomic statuses of couples with marital satisfaction. [Master Thesis]. University of Allameh Tabatabai. 2000. [Persian]
16. Carlson J, Sperry L, Lewis JA. Family therapy: ensuring treatment efficacy. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole; 1997.
17. Ahmadzade A. Assessing the relationship between marital satisfaction and mental health among female teachers working in secondary school in Tehran [Master Thesis]. Teacher Training University; 2005. [Persian]
18. Segalen M. Historical Anthropology of the family. Translator: Elyasi H. Tehran: Nashre Markaz, 2006: 257. [Persian]
19. Jalili F. Analysis and comparison of the factors influencing marital satisfaction in working women and housewives [Master Thesis]. Allameh Tabatabai University; 1996. [Persian]
20. Mousavi R. Assessing the factors affecting marital satisfaction in doctors and staff. Married workers in Tehran. [Master Thesis], Advice and Guidance, Tehran, Tarbiat Moallem University. 1994. [Persian]
21. Hiromi O. Husbands and wives resources and marital dissolution. Journal of Marriage and Family. 1998; 60(3): 583-590. [Persian]
22. Mirahmadizadeh A, Nekhei N, Tabatbaei SHR, Shafiean R. A survey of marital satisfaction and its affecting factors in Shiraz. Andeesheh Va Raftar; 2003; 8(4): 56-63. [Persian]
23. Shamlou S. Mental Health. Tehran: Roshd; 1993. [Persian]
24. Abbott P, Wallace CI. Sociology of Women. Translator: Najm-e- Eraqi M. Tehran: Ney Pub, 2001. [Persian]
25. Bagheri A. The relationship between marital quality and family economics, social and cultural situation. Journal of Family and Research. 2004;1(1): 57-80. [Persian]

The Effect of Women's Employment on Marital Satisfaction of Men

Mirzaei R *¹, Karimi KH², Shahryari P³

1. Department of Social Sciences, School of Social Sciences, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran
 2. Department of Social Sciences, School of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
 3. Department of Demographics, School of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
- * *Corresponding author.* Tel: +989188885099 E-mail: rm_1983@yahoo.com

Received: 14 Sep 2014

Accepted: 31 Dec 2014

ABSTRACT

Background & objectives: Family is the most important social unit. Marital satisfaction among the couples plays a very important role in formation and continuity of family. Several factors have influence on the marital satisfaction and intimacy in couples. The aim of this study was to investigate the effect of employment status of women on their husbands' marital satisfaction in the city of Kermanshah, 2014.

Methods: A cross-sectional design was used to conduct the study. Sampling was performed in two stages. At first stage cluster sampling and at the second stage simple random sampling was used to select 250 male teachers from the high schools in three educational districts in Kermanshah city. A questionnaire contains of demographic information and Enrich inventory was used to collect the data. Data were analyzed by using descriptive statistics, Chi square test, t-test and correlation coefficients in SPSS v.18. P-values less than 0.05 were considered as statistically significant.

Results: There was a significant difference in marital satisfaction of men with employed wives and marital satisfaction of men who are living with unemployed wives ($p = 0.00$). Also, results showed a significant correlation between marital satisfaction and the level of education in men with employed women ($p=0.008$). In contrast, there was no significant correlation between educational level and marital satisfaction in men with unemployed spouses. Findings showed that in men with employed wives, unlike men who had unemployed wives, there was significant correlation between age at marriage time ($p=0.003$) and age difference between the couples ($p=0.007$) with marital satisfaction. Also, in the men who had employed wives, there was a significant relationship between their work experience and the level of marital satisfaction ($p=0.002$).

Conclusion: According to the findings, there was a significant relationship between marital satisfaction and its various aspects among men with employed wives. However, this study supports that the men who are living with their employed wives have greater marital satisfaction rather than the men who are living with their unemployed housekeeper wives.

Keywords: Marital Satisfaction, Employment, Women.